



عکاس: احمدرضا کریمی

## بهمن حوریزاد

تدریس و مشاوره هر دو از جنس یادگیری هستند. هدف از تدریس، کمک به دانش آموز است تا فرایند یاددهی یادگیری را فعالانه و با شور و هیجان درک کند، و دانش، نگرش و مهارت‌هایی را فرا بگیرد. مشاوره هم فرایند کمک به دانش آموز است تا درک درستی از مسئله و مشکل خود پیدا کند و با خودشناسی و تکیه بر توانمندی‌های خود مشکل یا مسئله را حل کند. در واقع، مشاوره یاد دادن مهارت‌های حل مسئله است. خدمات مشاوره در مدرسه کمک به تمامی اعضای مدرسه است، مشتمل بر دانش آموز، اولیا، مدیر و معلمان و جامعه محلی. در واقع، وجود مشاور در مدرسه و ارائه خدمات روان‌شناختی و مشاوره، همه و تمام مدرسه را در بر می‌گیرد و شرایط رشد همه عوامل مدرسه را فراهم می‌کند تا همه با هم رشد کنند. مدیر، معلم، والدین و دانش آموز همه ابتدا یاد می‌گیرند تا یاد بدهند. مشاوره فرایند کمک به فرد است تا خود و مسائلش را بشناسد و خود به حل آن‌ها بپردازد. با این نگاه، تدریس با قصد یادگیری و تغییر رفتار، دقیقاً مشاوره است، چراکه مشاوره هم هدفش یادگیری و رشد است.

اجازه دهید با یک راهکار ارزشمند برای رشد روحیه همکاری، همیاری، مفیدبودن و یاری‌رسان بودن دانش‌آموزی که گوشه‌گیر و با اعتمادبه‌نفس ضعیف تشخیص داده شده، با رویکرد یادگیری مشارکتی، شرایط تعامل و همکاری در کلاس را در قالب گروه خلق کند. در واقع و به تمام معنا به دانش آموز کمک کند خود را در گروه و از طریق یادگیری بدون ترس و اضطراب از هم‌سالان، بشناسد و رشد دهد. در رویکردی دیگر، معلمی که از ارزشیابی توصیفی پیش‌برنده استفاده می‌کند و دانش آموز را با دیگر دانش‌آموزان مقایسه نمی‌کند، از بهترین راهکار و روش برای رشد اعتمادبه‌نفس استفاده می‌کند و دقیقاً خدمات مشاوره را در کلاس اجرایی کرده است (حوریزاد، ۱۳۸۹).

یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی این است که مسائل و مشکلات خود را نمی‌شناسند یا درک درستی از آن‌ها ندارند و همین موضوع در رسیدن به اهداف رشد، بازدارندگی خواهند داشت. مشاوره به کودک کمک می‌کند درک درستی از مشکل یا مسئله خود پیدا کند تا آن را حل کند (حوریزاد، ۱۳۷۱).

در دوره ابتدایی، جنبه تکامل و رشد دانش‌آموزان کانون توجه است. از این نظر می‌توانیم بگوییم وظیفه راهنمایی در دوره ابتدایی، از لحاظ رشد شخصیت اهمیت زیادی دارد، از جمله:

### ۱. درک و شناسایی دانش‌آموزان

هرگونه کمک به دانش‌آموزان، نیازمند شناخت دانش‌آموز و ویژگی‌های محیط رشد اوست. کودک طلاق (رسمی و عاطفی)، کودک بی‌سرپرست، کودک مبتلا به سوگ پدر یا مادر و کودک کار، همه و همه شرایطی را مطرح می‌کنند که لازم است هرگونه تصمیم‌گیری بر آن مبتنی باشد. شناخت استعدادها، سنجش هوش و برنامه‌های رشد، نیازمند ارائه خدمات روان‌شناختی هستند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۸).

### ۲. رساندن به تکامل

شناخت به‌موقع کودک و اختلالات احتمالی، مثل بیش‌فعالی، نداشتن تمرکز، اختلالات یادگیری، انواع ترس مرضی (فوبیا)،

تعلیم و تربیت فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به‌منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد. در سند تحول، معلم و مربی مترادف هم به کار رفته‌اند و این عنوان به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر تربیت دانش‌آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر عهده دارد (سند تحول بنیادین، شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). لذا به نظر می‌رسد، وظایف معلمان در کنار فرایند تدریس، راهنمایی دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون است. در این مقاله، معلم به مثابه راهنما و مشاور تحلیل شده است.

اضطراب، افسردگی، در خودماندگی (اوتیسم)، لجبازی، اختلال سلوک و بی‌اعتنایی به قوانین، دعوا و درگیری، رفتارهای جنسی، دروغ، بزه، تیک‌های عصبی، پرخاشگری، کم‌رویی، نارسایی‌های جسمانی و نقص عضو، همه از مسائل شایع در مدرسه‌ها هستند که در دوره ابتدایی باید به‌موقع تشخیص و به مشاور متخصص ارجاع داده شوند. مشاور تکالیف درمانی را در مدرسه به کار می‌گیرد و درمان با کمک والدین پیگیری می‌شود. در غیر این صورت، افت شدید تحصیلی و مزمن شدن اختلالات در نوجوانی، درمان را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. معلم مشاور در مدرسه با احترام به ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دارای اختلال، با توجه به نقاط مثبت و توانایی‌های کودک، تکالیفی در حد ظرفیت، توان و محدودیت‌های یادگیری طراحی می‌کند و درمان را مطابق شیوه‌نامه‌های درمانی پیگیری می‌کند.

### ۳. پیشگیری

تشخیص به‌موقع اختلالات و عوامل بازدارنده رشد کودک، در دوره ابتدایی، به دلیل انعطاف‌پذیری بالا، با هزینه کمتر و اثربخشی بیشتر قابل پیشگیری و درمان خواهد بود (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۴).

### ۴. بهبود سازش فردی

بهبود رابطه دانش‌آموز با خود، خانواده، مدرسه، همسالان و خدوند، تحت عنوان‌های هوش یا سواد ارتباطی، هوش کلامی، هوش میان‌فردی و هوش درون‌فردی، از مسائلی هستند که مدرسه باید برای بهبود آن‌ها، برنامه‌های جدی و تأثیرگذار داشته باشد. خدمات مشاوره به‌درستی به کودک کمک می‌کنند این مهارت‌ها را کسب کند.

جداکردن راهنمایی و تدریس از یکدیگر، نه مطلوب و نه ممکن است. بنابراین، مشاوران ضمن راهنمایی، آموزش می‌دهند و معلمان ضمن آموزش، راهنمایی می‌کنند. معلمی که با کمک به استقلال دانش‌آموز، و کمک و راهنمایی دانش‌آموزان برای کارهای تیمی، فعالیت‌های تیمی را تشویق می‌کند، در واقع به راهنمایی و مشاوره پرداخته است. آنگاه که معلم پیشرفت دانش‌آموز را در درس ریاضی تسهیل می‌کند و مشوق رشد اوست، در واقع به رشد هویت او پرداخته است. وقتی معلم کلاس دانش‌آموز را به آموزش و یادگیری دانش‌آموزان ضعیف ترغیب می‌کند، صفات و ویژگی‌های انسانی او مثل مفیدبودن، غم‌خوار بودن و یاری‌رسان بودن را به او یاد می‌دهد و این یعنی راهنمایی و مشاوره. معلمان با رفتارهای زیبا مثل احترام به خود و دیگران، منصف‌بودن، شوخ‌طبعی، استفاده‌نکردن از تنبیه‌های مخرب، برقرارکردن رابطه دوستانه و نه دوست‌بودن، خود به خود به جو انسانی مدرسه کمک می‌کنند و شخصیت دانش‌آموزان را از رشد بهتری برخوردار می‌کنند.

معلمی که از فن‌های مشاوره آگاهی داشته باشد، از بازی برای فهمیدن، درک کردن، تجزیه و تحلیل، استدلال و خلاق بودن نهایت بهره را خواهد برد. بازی علاقه و انگیزش کودک به یادگیری را افزایش می‌دهد. چراکه به قول **پیاژه**، بازی، ساختن واقعیت است با خود. بازی به کودک فرصت می‌دهد تا با فهم

جهان خارج از خود، به انطباق آن با جهان درون نائل آید. بازی تنها پناهگاه کودک برای تسکین اضطراب است؛ به گونه‌ای که امروزه بازی‌درمانی بهترین فن مشاوره برای درمان بسیاری از آسیب‌های رفتاری است.

بر این اساس، ترجیح دارد راهنمایی و مشاوره در دوره ابتدایی توسط معلم و در کلاس درس به اجرا درآید. می‌دانیم که اهداف اصلی آموزش و پرورش ابتدایی عبارت‌اند از: آشناکردن کودکان با زندگی اجتماعی، ایجاد و تقویت توانایی گوش‌دادن، درست‌سخن‌گفتن، پرورش تفکر و استدلال، درک ارزش‌ها و تربیت دینی و اخلاقی. در تمام این موارد، از طریق مشاوره با کودک می‌توان راه‌حل‌های درست را به او آموخت و او را در رسیدن به این اهداف کمک کرد (حوریزاد، ۱۳۷۰).

کودکان در روند رشد و زندگی با مشکلاتی مواجه می‌شوند که اگر به موقع برطرف نشوند، در دوره‌های بعد حاد و شدیدتر خواهند شد. عواطف و احساسات کودکان در دوره ابتدایی انعطاف‌پذیرتر است و هرگونه اقدام پیشگیرانه باعث رشد شخصیت سالم و متعادل در سال‌های آینده می‌شود. مشاور با کمک اولیا و مربیان می‌تواند کودک را در رفع مشکلات و ایجاد رفتارهای مناسب یاری دهد.

مشاور می‌تواند با فراهم‌کردن موقعیتی برای دانش‌آموزان، که در آن به جای اینکه محتوای درس‌ها مرکز توجه باشند، خود دانش‌آموز در مرکز فعالیت‌های آموزشی قرار گیرد و برنامه‌ها با توجه به نیازهای دانش‌آموزان تغییر یابند، به بهبود رفتار و پیشرفت یادگیری آنان منجر شود. در چنین شرایطی، هم دانش‌آموز و هم معلم و هم اولیای دانش‌آموز از فرایند رشد لذت می‌برند و بهداشت روانی آن‌ها تأمین می‌شود. وقتی دانش‌آموز از انجام تکالیف آموزشی لذت ببرد، معلم هم از شادابی و خوش‌حالی و موفقیت او لذت می‌برد و خانواده نیز نگرش مطلوبی نسبت به مدرسه فرزندش پیدا می‌کند.

معلمان آشنا به روش‌ها و فنون (تکنیک‌های) راهنمایی و مشاوره، با ایجاد رابطه انسانی و دوستانه با آنان، یادگیری را ساده، جالب و لذت‌بخش می‌کنند و ترس و اضطرابی را که معمولاً کودکان از معلم و مدرسه دارند، از بین می‌برند. نکته دیگر اینکه، همواره با مثبت‌اندیشی، کار خود را از ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت کودکان آغاز می‌کنند و به رفع صفات ناخواسته و نقاط ضعف آنان می‌پردازند. همچنین، به محض مشاهده علائم ناهنجار در کودکان، نسبت به رفع آن‌ها به‌طور مناسب مبادرت می‌ورزند.

#### منابع

- حوریزاد، بهمن (۱۳۸۹). غنی‌سازی فرهنگ آموزش. انتشارات سایه سخن. تهران.
- حوریزاد، بهمن (۱۳۹۰). غنی‌سازی فرهنگ ارزشیابی. انتشارات سایه سخن. تهران.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۸). راهنمایی و مشاوره. انتشارات معاصر. تهران.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۴). راهنمایی و مشاوره گروهی. انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم. تهران.
- حوریزاد، بهمن (۱۳۷۰). جزوه درسی سازمان و اداره خدمات راهنمایی و مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.